

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت ۵۳ - مین سالگرد تاسیس حزب



شماره ۴۳۷، دوره هشتم
سال یازدهم، ۵ مهر ۱۳۷۳

دهم مهرماه امسال مصادف با ۵۳ - مین زادروز حزب توده ایران است. پنجاه و سه سال پیش گروهی از پیشتازان مبارز راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، وارثان سنن والای جیش سوسیال دموکراسی انقلابی و کمونیستی کورمان، تولد حزبی را اعلام کردند، که جامعه استبداد زده ما را به کلی دگرگون ساخت و به استقبال آرمونی تاریخی و سرنوشت ساز برای کارگران و زحمتکشان کشورمان شتافت. حزب توده ایران از بطن جامعه در حال تحول آغاز دهه ۱۳۲۰ در کشوری استبداد زده و عقب مانده، اسیر روابط کهنه اجتماعی اقتصادی پدید آمد و در طول بیش از پنج دهه بیکار خونین، و ماندگاری در مهیب ترین مهلکه ها و گردبادهای سیاسی ثابت کرد که سرنوشت تاریخی اش با سرنوشت کارگران و زحمتکشان میهن ما در ارتباط تنگاتنگ و گسست ناپذیری است. این راز ماندگاری و روئین تری حزبی است که در طول حیاتش، بارها مورد یورش ارنجاع و امپریالیسم قرار گرفت، هزاران شهید داد، ده ها هزار سال زندان و شکنجه را تحمل کرد، زخم های بسیار برداشت و هر بار ققنوس وار از دل ادامه در ص ۲

مصاحبه «نامه مردم» با رفیق علی خاوری

به مناسبت زاد روز حزب توده ایران

- "... توده ای ها حق دارند، و این حق در دل تاریخ پر تلاطم و پر رنج بیش از نیم قرن میهن ما به ثبت رسیده است، که با سری افراشته به این تاریخ سرتاسر فداکاری، ایثار و از خود گذشتگی، تحمل ده ها هزار سال زندان و شکنجه و دادن هزاران شهید در راه آزادی و بهروزی مردم میهن، به خود ببالند..."
- "... آری، این حزب توده ایران است که رسم و روش مبارزه سیاسی و سازماندهی توده ای را به خاطر دستیابی به آرمان های شریف و والای انسانی و میهنی، آن چنان در اعماق جامعه ما متداول ساخت که هیچ نیروی ارنجاعی و استبدادی قادر به ریشه کن ساختن آن نبوده و نیست.
- توده ای ها انبوهی از مجلات، کتب علمی، سیاسی، فرهنگی را در کشور ما منتشر ساختند و حزب ما در بیش از نیم قرن از حیات پربارش از صاحبان رکورد در این عرصه بوده است. بسیاری از اندیشه های انسانی و مترقی مانند مسئله حقوق کارگران و قانون کار، اصلاحات ارضی به نفع دهقانان و مسئله حقوق زنان، در يك جامعه فوق العاده عقب مانده با ریشه های قوی مذهبی نخستین بار از سوی توده ای ها طرح شد..."
- "...از زندانیان سرشناس و مبارز مسلمان که در زندان شناخته شده و مورد احترام بودند، می توان از آیت الله طالقانی، آیت الله منتظری، آیت الله سعیدی و آیت الله مطهری نام برد، که اتفاقاً این افراد بیشترین احترام را برای زندانیان کمونیست از جمله رفقای ما داشتند... در میان زندانیان سیاسی دوران شاه، استوارترین آنان را در مجموع زندانیان چپ تشکیل می دادند، حماسه مقاومت همین اشخاص بود که بخشی از فولکلور مبارزه سیاسی در ایران را تشکیل می دهد. چهره های درخشانی مانند روزبه، سیامک، مبشری، حکمت جو، تیزابی، گلسرخی، دانشیان، کتیرابی و رفقای سازمان نظامی حزب که نزدیک به بیست و پنج سال در زندان های شاه بودند، انسان های والایی مثل، کی منش، حجری، باقر زاده، ذوالقدر، شلتوکی، و صدها زندانی کمونیست دیگر از نظر شهامت، مقاومت و پایداری زبانزد همگان حتی شکنجه گران ساواک بودند..."
- "...ابرج اسکندری در این «خاطرات»، مانند خاطرات نویس های مشابه بی قید و شرط، از همه اعمال و اقدامات و روش های خود ستایشگرانه دفاع می کند. گفته های او در تضاد سنگینی با خود است و در بسیاری موارد عاری از حقیقت. دو مصاحبه کننده و سازمانگر سرهمبندی این «خاطرات» با هر آنچه و هر آنکه مخالفند، طی تنظیم و سمت و سو دادن به آن، تصفیه حساب کرده اند..."
- "...این نشریه که نام «راه توده» از نشریات سابق حزب توده ایران را، بدون موافقت و اجازه حزب برخورد گذاشته است، توسط افرادی اداره می شود که از حزب اخراج شده اند و در پی این اخراج ظاهراً تصمیم به «اخراج» حزب گرفته اند..."
- "...بعد از ۱۵ سال تجربه و نتایج حاصله از حکومت رژیم «ولایت فقیه» دفاع از جناحی که عملاً مجری سیاست های جناح دیگر است، کمک به حفظ و استمرار کلیت رژیم است که از طرف مردم میهن ما مردود و شایسته طرد شناخته شده است. بطور کلی قشر روحانیت حاکم بدنبال منافع کورپوراتیو و کاستی خود بوده و عملاً استخوان بندی سرمایه داری بوروکراتیک را تشکیل می دهد و در عین حال حمایت گر سرمایه انگلی تجاری است.
- "...جامعه ما آستان حوادث مهم و خطیری است که در غیاب آلترناتیو دموکراتیک نیرومندی در درون کشور، برای جانشینی رژیم موجود، خطرات عظیمی مانند جنگ داخلی، بالا گرفتن قاپلالت تجزیه طلبانه، منازعات قومی و مذهبی آن را تهدید می کند... مردم ایران، از جمله نیروهای آزادیخواه در نهادهای پیرامونی حکومت، ارتش و سایر نیروهای مسلح، شخصیت های سیاسی معتقد به آزادی و دموکراسی، سازمان های چپ، دموکراتیک و ملی امید واقعی برای پر کردن خلاء قدرت سیاسی هستند که میهن ما لحظه به لحظه به آن نزدیک می شود... ما، بارها این حساسیت وضع و در عین حال نگرانی عمیق خود را از فقدان آلترناتیو دموکراتیک و متکی بر اراده و خواست مردم میهن اعلام داشته ایم؛ زیرا به نظر ما در غیاب چنین آلترناتیوی سررشته کار از دست مردم خارج خواهد بود و می تواند اوضاع ناگوارتری بر میهن ما تحمیل شود..."

صفحات ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

اعلامیه کمیته مرکزی...

خاکستر شکست‌ها برخاست و درفش خونین آرمان‌های والای انسانی طبقه کارگر را در اهتزاز درآورد. حزب توده ایران مجهز به اندیشه‌های علمی و جهان‌بینی طبقه کارگر، توده‌های کارگران و زحمتکشان میهن‌مان را با سلاح معنوی نیرومندی آشنا ساخت و با ترویج وسیع این اندیشه‌های انقلابی، شیوه عمل انقلابی و منطق انقلابی را به درون قشرهای دموکراتیک جامعه ایران رخنه داد.

تاریخ حزب توده ایران، تاریخ پنجاه و سه سال نبرد بی‌امان، خستگی‌ناپذیر و در عین حال اصولی با ارتجاع، استبداد، استثمار و امپریالیسم بوده است. ملاک تشخیص ماهیت و حقانیت تاریخی هر حزب عمل سیاسی و اجتماعی آن است. حزب توده ایران نخستین حزب کشور ما است که مسئله مبارزه با فاشیسم و امپریالیسم را در ایران طرح کرد. توده‌ای‌ها نخستین نیرویی هستند که به مقیاس سرتاسری کشور اقدام به متشکل کردن کارگران و ایجاد سازمان‌های مستقل کارگری کردند و در این عرصه دستاوردهای درخشانی نظیر تاسیس سندیکاهای مختلف کارگری، و شورای متحده کارگران و اتحادیه‌های دهقانی بدست آوردند. حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی کشور است که برضد اندیشه‌های ارتجاعی علیه زنان کشورمان به مبارزه برخاست و مسئله حقوق زنان را در جامعه طرح کرد. به ابتکار توده‌ای‌ها نخستین سازمان‌های دموکراتیک زنان در حیات کشور ما تولد یافتند و نقش ارزنده‌ای در گسترش و نشر اندیشه‌های مترقی و انسانی در این عرصه ایفا کردند. کار در میان جوانان و دانشجویان، ایجاد تشکل‌های وسیع دانشجویی، مبارزه در راه دستیابی خلق‌های مختلف کشورمان به حقوق ملی خود، دفاع پیگیر از مبارزات خلق آذربایجان و خلق کردستان در راه رسیدن به خودمختاری و پاشیدن بذر اندیشه‌های مترقی و دورانساز، از طریق انتشار هزاران مجله، کتاب و جزوات و مقاله‌های علمی، بخشی از این عمل انقلابی و تاریخ‌ساز حزب توده ایران بوده است. بیهوده نیست که ارتجاع و امپریالیسم در سیمای حزب ما، یک نیروی به تمام معنی پیکارگر، انقلابی و بالنده می‌بینند که منافع آنها را به شدت تهدید کرده و می‌کند. با استناد به چنین کوله بار غنی و پر حاصلی است که توده‌ای‌ها با افتخار به تاریخ خود می‌نگرند و این تاریخ را بخش مهمی از تاریخ مبارزات رهاییبخش کشورشان می‌دانند.

هم میهنان عزیز، رزمندگان راه آزادی و عدالت اجتماعی!

فقر، عقب ماندگی، جنگ، سرکوب و اختناق چنین است بیلان ناقص عملکرد پانزده سال حکومت جمهوری اسلامی برای میهن ما.

تجربه تلخ پانزده سال گذشته نشان می‌دهد که نمی‌توان کار ایجاد ایرانی آزاد، مستقل و پیشرو را به حساب احتمالات و بدست سرنوشت سپرد. بزرگترین ضعف انقلاب بزرگ مردم ما در سال ۵۷، در این نبود که نیروی عظیم مردمی در صحنه‌های نبرد حاضر نبودند، بلکه ضعف آن در غصب و تصاحب انحصاری قدرت سیاسی توسط خمینی و دیگر سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی و رویارویی آشتی‌ناپذیر آنان با دیگر نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور بود. نباید اجازه داد که چنین فاجعه‌ای دوباره در اشکال نوین آن تکرار گردد.

امروز دیگر کمتر کسی را می‌توان یافت که خواهان تغییر اوضاع فعلی نباشد. حتی بسیاری از طرفداران سابق جمهوری اسلامی نیز دیگر خواهان ادامه این اوضاع دهشتناک نیستند. تشدید برخوردها در درون حاکمیت، رشد ناراضی‌گری در درون صفوف نیروهای مسلح، وجود ارگان‌های مختلف تصمیم‌گیری که به جناح‌های مختلف تعلق دارند، در مجموع حیات دستگاه اداری جمهوری اسلامی را در خطر فلج شدن قرار داده است. از سوی دیگر بحران اقتصادی که سران حکومتی امیدوار بودند با دریافت کمک مالی از کشورهای غربی آنرا تخفیف دهند، هر روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد و دولت جمهوری اسلامی را مجبور کرده است تا تمامی برنامه‌های از پیش اعلام شده اقتصادی - عمرانی در جریان ارائه بودجه را به کلی متوقف کند. سقوط ارزش ریال به میزان نزدیک به ۵۰٪ در ماه‌های اخیر، وام کمر شکن اقتصادی موسسه‌ها و بانک‌های بین‌المللی که حتی بر اساس خوشبینانه‌ترین برآوردها به بیش از ۳۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود، در کنار هرچه کندتر شدن حرکت چرخ تولید کشور و بسته شدن بسیاری از کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی، که منجر به بیکاری صدها هزار نفر و افزایش ارتش بیکاران به بیش از ۴ میلیون نفر شده است، گوشه‌هایی از ابعاد فاجعه‌ای است که میهن ما را در خود فرو برده است. کمتر دورانی در تاریخ معاصر کشورمان را می‌توان یافت که تامین حتی یک زندگی حداقل چنین دشوار و دور از دسترس میلیون‌ها انسان زحمتکش و زجر دیده باشد. همه این دشواری‌ها در شرایطی به مردم تحمیل می‌شود که سران رژیم جمهوری اسلامی میلیارد‌ها تومان ثروت ملی را با سیاستهای غلط خود به باد داده و یا حیف و میل کرده‌اند.

ما در ماه‌های اخیر شاهد اوجگیری رشد ناراضی‌گری مردم و افزایش و گسترش درگیری‌ها در شهرهای مختلف بوده‌ایم. از خیزش بزرگ مردم قزوین تا اعتراضات وسیع در تبریز، نجف‌آباد، اصفهان، زنجان، قائم‌شهر و ... نشان می‌دهد که کاسه صبر مردم پس از گذشت پانزده سال از حکومت جمهوری اسلامی دیگر لبریز شده است و دیر یا زود انفجار عظیم اجتماعی میهن ما را فرا خواهد گرفت.

توده‌ای‌ها در طول بیش از ۵۳ سال تاریخ

خود، همواره در کنار خلق برای آزادی رزمیده‌اند و در این مبارزه نقش برجسته‌ای را ایفاء کرده‌اند. حزب توده ایران در این شرایط حساس تاریخی در کنار اکثریت انبوه مردم ستم‌دیده و جان‌به‌لب رسیده‌ای است که بزرگترین و اصیل‌ترین نیروی اپوزیسیون در مقابل رژیم «ولایت فقیه» را تشکیل می‌دهند. ما اطمینان داریم که این پیکار مقدس مردمی و عمیقاً دموکراتیک در مقابل ارتجاع و استبداد به پایان قطعی خود نزدیک‌تر می‌شود. ما بار دیگر در این لحظات حساس و سرنوشت‌ساز توجه نیروهای آزادیخواه و میهن‌دوست کشورمان را به مسئولیت عظیم آنها در موقعیتی سرنوشت‌ساز برای میهن و مردم آن جلب می‌کنیم. فرصت حساس ائتلاف بزرگ برای دموکراسی و عدالت اجتماعی را در مقابل استبداد و بیعدالتی از دست ندهیم و مقدمات آزادی میهن را از بند رژیم «ولایت فقیه» آماده سازیم.

رفقا، هواداران و دوستان حزب!

رژیم ضد مردمی «ولایت فقیه» هراسناک از عاقبت کار در تلاش است تا همچنان با انواع و اقسام ترفند‌ها، سازماندهی توطئه‌ها و جنایات به حیات ضد مردمی خود ادامه دهد. شما خوب می‌دانید که در سال‌های اخیر دستگاه امنیتی رژیم دمی برای ضربه زدن به حزب ما از کار نایستاده است. از «شو»های تلویزیونی، تا تشکیل سازمان‌های قلابی - پلیسی، انتشار کوهی از دروغ، تهمت و افتراء، تا تلاش در پراکندن بذر بدبینی و نفاق در صفوف حزب از طرق مختلف، همه بخش‌های گوناگونی از یک توطئه واحد برای نابودی حزب توده‌ای ما بوده است. این تلاش‌ها تا به امروز با هوشیاری و فداکاری توده‌ای‌ها که بار سنگین مبارزه حزب را در دشوارترین شرایط به دوش می‌کشند، خنثی شده است و ما اطمینان داریم که در آینده نیز چنین خواهد شد. بیداری و هوشیاری خود را صد چندان کنیم!

رفقا!

باردیگر پنجاه و سومین سالگرد تاسیس حزب توده‌ای‌مان را از صمیم قلب به شما و همه هواداران، و دوستان حزب و طبقه کارگر ایران تبریک می‌گوییم و اطمینان داریم که پرچم رزم مقدس و اسطوره‌ای حزب ما تا پیروزی آرمان‌های انسانی، دموکراتیک و آینده‌ساز طبقه کارگر ایران در اهتزاز خواهد ماند و این پیکار مقدس به سرانجام پیروزمند خود خواهد رسید.

درد بیکران به خاطره پاک و ابدی شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!

فرخنده باد ۵۳ - مین سالگرد تاسیس

حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

هرماه ۱۳۷۳

مصاحبه "نامه مردم" با رفیق خاوری

علیه فاشیسم در ایران سازماندهی کرد که به "مردم ضد فاشیست" معروف شد. بسیاری از نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران کشورمان در آن سال ها با روزنامه "مردم" همکاری می کردند و آن را به سنگر محکمی علیه ارتجاع بدل کرده بودند.

پیدایش حزب توده ایران در میهن ما منشا یک تحول عظیم فرهنگی، فکری و سیاسی بود. توده ای ها انبوهی از مجلات، کتب علمی، سیاسی، و فرهنگی را در کشور ما منتشر ساختند و حزب ما در بیش از نیم قرن از حیات پر بارش از صاحبان رکورد در این عرصه بوده است. بسیاری از اندیشه های انسانی و مترقی مانند مسئله حقوق کارگران و قانون کار، اصلاحات ارضی به نفع دهقانان، و مسئله حقوق زنان، در یک جامعه فوق العاده عقب مانده با ریشه های قوی مذهبی، نخستین بار از سوی توده ای ها طرح شد. شما اگر به اسناد نخستین کنگره حزب توده ایران که ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۳۲۳ برگزار گردیده است، نگاه کنید می بینید که بسیاری از مسایلی که حزب در آنجا مطرح کرده است همچنان در دستور کار نیروهای مترقی ایران قرار دارد و چه دلیلی از این محکم تر که حزب ما همواره در صف پیشین توده های محروم خواست های آنان را طرح کرده است. اجازه بدهید چند مورد از این نظرات را مختصراً بیان کنم. به عنوان مثال در برنامه حزب توده ایران مصوب نخستین کنگره آن عرصه های عمده زیر را می بینیم:

در عرصه سیاسی: مبارزه در راه استقرار رژیم دموکراسی و تأمین کلیه حقوق فردی و اجتماعی از قبیل: آزادی زبان - قلم - عقیده و اجتماعات؛ مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری و استبداد.

در عرصه حقوق کارگران: سعی در گذراندن قانون کار از مجلس شورای ملی بر اساس اصول زیر: تقلیل مدت کار روزانه در تمام کشور به هشت ساعت و پرداخت دستمزد متناسب برای کارهای اضافی؛ بیمه اجتماعی کارگران و کارمندان و مستخدمین؛ به رسمیت شناختن اتحادیه ها و حق اعتصاب.

در عرصه حقوق دهقانان: واگذاری بلاعوض خالصجات و املاک قابل کشت دولتی به دهقانان بی ملک؛ خریداری املاک بزرگ به وسیله دولت و واگذاری آن به زارعین به اقساط؛ سعی در تصویب قانون راجع به تعیین روابط ارباب و رعیت.

در مورد حقوق زنان: کوشش در توسعه حقوق اجتماعی و برقراری حقوق زنان (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن)؛ بهبودی اوضاع مادی و تأمین استقلال اقتصادی زنان.

در مورد کارمندان: تجدید نظر در قانون استخدام کشور به نحوی که مخصوصاً شرایط معاش و زندگی کارمندان جزء تأمین گردد.

انسان وقتی این اسناد را دوباره مرور می کند، می تواند روشنتر درک کند که چرا حزب توده ایران ناگهان و در مدت زمان بسیار کوتاهی به بزرگترین نیروی سیاسی کشور بدل شد.

دعوت حزب ما، از سوی توده های محروم جامعه به گرمی و شوق زیاد استقبال شد. تقریباً تمام کارگران کارخانه های کشور در شورای متحده مرکزی، متشکل از چهار سازمان سندیکایی، بخاطر دستیابی به حقوق صنفی خود، جمع آمدند. شورای متحده از همان آغاز ۵۰/۰۰۰ عضو داشت و بزودی توانست بیش از ۹۰٪ کارگران ایران را در صفوف خود متشکل کند. کار عظیم حزب در بین دهقانان (تنها در اصفهان ۱۵۰ هزار دهقان در اتحادیه های دهقانی که توسط حزب سازماندهی شده بود، شرکت فعال داشتند) خرافه تقدس مالکیت فئودالی در روستا را در بین دهقانان درهم شکست و آن ها را به پیکار در راه دستیابی به حق مسلم خود بر رنج و زحمت و کارشان به میدان آورد. بزرگترین گردهمایی سیاسی کشور در آن دوران در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۴، یعنی در روز اول ماه مه، در تهران با شرکت ۸۰/۰۰۰ و در شهرستان ها با شرکت بیش از ۲۵۰/۰۰۰ نفر به رهبری

سئوال - رفیق خاوری در این روزها حزب توده ایران ۵۳-مین سالگرد تولد خودش را جشن می گیرد. نقش و ارزش این حادثه مهم در تاریخ معاصر میهن ما را چگونه می بینید؟

جواب - امسال، حزب توده ایران جشن تولدش را در شرایطی برگزار می کند که هیجانات تند و سرکش اجتماعی و سیاسی میهن درینند ما را فراگرفته است.

به عنوان یکی از بازماندگان توده ای از نخستین روزهای تاسیس و برپایی حزب، این خانه امید کارگران و دیگر توده های محروم میهن ما، به همه اعضا، هواداران و دوستان حزب طبقه کارگر ایران صمیمانه شادباش می گویم و برای آنها، در زندگی، کار و رزمشان بخاطر آزادی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی آرزوی موفقیت می کنم.

توده ای ها حق دارند، و این حق در دل تاریخ پر تلاطم و پر رنج بیش از نیم قرن میهن ما به ثبت رسیده است، که با سری افراشته به این تاریخ سرتاسر فداکاری، ایثار و از جان گذشتگی، تحمل ده ها هزار سال زندان و شکنجه و دادن هزاران شهید در راه آزادی و بهروزی مردم میهن، به خود ببالند.

آری، این حزب توده ایران است که رسم و روش مبارزه سیاسی و سازماندهی توده ای را به خاطر دستیابی به آرمان های شریف و والای انسانی و میهنی، آن چنان در اعماق جامعه ما متداول ساخت که هیچ نیروی ارتجاعی و استبدادی قادر به ریشه کن ساختن آن نبوده و نیست.

توده ای ها نمونه بیشمار قهرمانان بنام و گمنامی را، نه تنها به تاریخ میهن ما، که به تاریخ بشریت هدیه کرده اند. این خیل عظیم پیشتازان تاریخ، آرمان های پاک مجسم در چهره های انسان های فروتن و بی توقع، کاری در جامعه تحت ستم استبداد و تحمیق ارتجاع انجام دادند که به حق می توان نام انقلاب فکری و فرهنگی بر آن نهاد.

صدها هزار کارگر، دهقان و روشنفکر در این ارتش عظیم شرکت جستند و از آن بهره های ارزشمند فکری و معنوی یافتند. آن ها دانستند که سرنوشت بهروزی مردم و میهن درینش و کوشش و رزم خود آن هاست.

تاریخ حزب توده ایران، تاریخ این بیداری و پیکار انسانی است که نه تنها میهن ما بلکه خاور نزدیک و میانه را تحت تاثیر شگرف و نیرومند خود قرار داد، نه آن بیج بیج های پست و حقیرانه و روایت نویسی های مغرضانه و خودخواهانه ای که به حساب نهایی به مقصد "کامل" کردن زرادخانه دشمنان حزب و زحمتکشان میهن ما، سرهمبندی می شود.

حزب توده ایران، ۵۳ سال پیش با شعار «کار برای همه، نان برای همه، بهداشت برای همه» تولد نیرویی را در میهن ما اعلام کرد که با پشتیبانی و حمایت توده های وسیع مردم زحمتکش می بایست نقش سرنوشت سازی را در جامعه دریند اوهام و خرافات ارتجاعی و ستم استبدادی، ایفا نماید.

این، نبرد، دانش و فرهنگ پیشرو، با تاریک اندیشی و خرافه پرستی، عدالت اجتماعی با استثمار وحشیانه، آزادی و دموکراسی با خودکامگی متفرعن بود.

حزب ما در شرایطی مبارزه را در ایران آغاز کرد که فاشیسم، دست در دست ناسیونالیسم کور و «شاهنشاهی» آن در کشور ما روبه رشد بود. حزب که به خطر بیماری طاعون فاشیسم بخوبی آگاه بود، مبارزه با این بلیه را یکی از مهمترین وظایف خود قرار داد و کمر به نابودی آن بست. حزب ما نخستین نشریه ضد فاشیستی کشور را نزدیک به ۵۳ سال پیش منتشر کردیم. منظوم روزنامه "مردم" است که صاحب امتیاز آن صفر نوعی بود و سردبیرش عباس نراقی. روزنامه "مردم" کار خود را ۱۲ بهمن سال ۱۳۲۰ آغاز کرد و در سرلوحه دفتر روزنامه در میدان بهارستان تهران نوشته بودند: "این روزنامه پشتیبان کسانی است که با فکر و بازوی خود کار می کنند و از حاصل دسترنج خود نان می خورند". روزنامه "مردم" آنچنان مبارزه جدی را

حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی برگزار گردید. این مراسم در سال بعد، یعنی سال ۱۳۲۵، با شرکت ۷۰۰/۰۰۰ کارگر در سراسر ایران برگزار شد.

جنبش‌رهایی زن ایرانی تحت رهبری حزب توده ایران کار عظیمی در تشکیل زنان ایرانی برای دستیابی به حقوق پایمال شده انسانی و مدنی آنها انجام داد. سازمان جوانان توده ایران جوانان ما را با دانش نوین، عشق به آزادی و عدالتخواهی و وطن‌دوستی پرورش می‌داد.

این دستاوردها چیزی نبوده و نیستند که تنها به گذشته مربوط باشد. ۲۵ سال پس از یورش وحشیانه استبداد، کودتای ۲۸ مرداد، هنگامی که بنای ضد مردمی آن رژیم در هم می‌شکست و شریف امامی یکی از نخست وزیران اغواگر مجری سیاست فریبکارانه شاه «آزادی همه احزاب و گروه‌های سیاسی را به استثنای حزب توده» اعلام کرد، بلافاصله کارگران صنایع نفت در میتینگ عظیم خود قطعنامه‌ای به تصویب رساندند که یک ماده آن آزادی همه احزاب سیاسی را، **بلااستثناء**، طلب می‌کرد. این امر بعد از ۲۵ سال پس از یورش سرتاسری و نابودی سازمان‌های حزبی به وقوع می‌پیوست. بذر بیداری مقابله با ستم طبقاتی و ملی که حزب توده ایران در زمینه مساعد اجتماعی در میهن ما پراکنده نمی‌توانست بشکند. این همان زمینه‌ایست که موجب تولد، پیدایش، رشد و فعالیت و دوام و بقای حزب توده ایران در میهن ما بوده است. کارگران صنایع نفت این ماده قطعنامه را به ویژه و بخاطر حزب طبقه خود اعلام داشتند.

این یادآوری مجمل و بسیار گذرا، در چنین روزی، به آن خاطر لازم آمد که عیار «درستی» مدعیات مغرضانی که یک شبه «تاریخ‌نویس» شده‌اند و غم «تدقیق» تاریخ حزب توده ایران خواب از چشم آن‌ها ربوده، مشخص شود. تکرار می‌کنیم **تاریخ حزب توده ایران تاریخ سیر و تکامل آرمان‌های انسانی، و فداکاری صدها هزار توده‌ای در راه تحقق این آرمان‌هاست.**

ولی مخالفان و دشمنان حزب توده ایران تنور جهنمی دشنام، دروغ و تحریف علیه این حزب و تاریخ آن را همچنان داغ و داغ‌تر نگهداشته‌اند. آن‌ها سالیان دراز همسنگی حزب طبقه کارگر ایران را با احزاب برادرش پیراهن عثمان کردند و تا توانستند افسانه‌ها در این مورد پرداختند. اگر در اندیشه این فریبکاران ذره‌ای باور به دروغی که می‌گفتند وجود می‌داشت، حال پس از سه سال از فروپاشی اتحاد شوروی، ایستادگی و بیکار حزب توده ایران باید آن‌ها را از تکرار این صفحه‌خس‌دار خسته می‌کرد. ولی این چنین نشده است. آتش حمله علیه حزب توده ایران تندتر و گسترده‌تر شده است. می‌توان پرسید: اینک آن‌ها را چه می‌شود؟ و پاسخ ما چنین است: همانچه که قبلاً می‌شد. حزبی که برای رفع ستم طبقاتی و برقراری عدالت اجتماعی رزمیده و می‌رزد، بیش از این، از مخالفان طبقاتی و ریزه‌خواران سفره‌استعمار، خودکامگی و ارتجاع نباید انتظاری داشته باشد.

س- حزب توده ایران در طول تاریخ ۵۳ ساله اش بارها مورد یورش ارتجاع و توطئه‌های رنگارنگ آن قرار گرفته است ولی همچنان به مبارزه خود ادامه می‌دهد، ارزیابی شما از این توطئه‌ها و یورش‌ها چیست و راز ماندگاری حزب در طول این پنج دهه چه بوده است؟

ج- حزب توده ایران در طول تاریخش، بارها مورد یورش ارتجاع و امپریالیسم قرار گرفته است و در طی همین دوران انبوه بی‌شماری از توطئه‌های گوناگون را نیز پشت سر گذاشته است. اگر به اسناد تاریخی رجوع شود مشخص می‌گردد که تقریباً از نخستین روز تاسیس، حزب ما همواره در معرض خطر و یورش نیروهای حامی استبداد قرار داشته است. در تمامی سال‌های دهه سی حزب دائماً از سوی دار و دسته چاقو‌کشان سید ضیاء، حزب وطن، نیروهای طرفدار فاشیسم، حزب زحمتکشان بقایی، و نیروهای نظامی مورد حمله قرار داشت. نخستین یورش همه‌جانبه به قصد نابودی حزب در بهمن ۱۳۲۷ در چارچوب صحنه‌سازی "سوء قصد" به شاه انجام گرفت. حزب در پی این صحنه‌سازی غیرقانونی شد و هرگونه مخالفتی با دیکتاتوری و دربار جرم شناخته شد. جالب است که درست چهارروز پس از این ماجرا مذاکرات نهانی ایران و شرکت نفت - گلشائیان و گس آغاز شد. این توطئه ارتجاع همانطوریکه می‌دانید با شکست روبرو شد و حزب ما برای نخستین بار، و باید بگویم، با موفقیت کامل به سازماندهی مخفی روی آورد و خیلی زود فعالیت حزب در سراسر کشور از سر گرفته شد. حزب ما در سال‌های بعد از این و حتی در دوران حکومت دکتر مصدق نیز

همواره با محدودیت زیاد به فعالیت خود ادامه می‌داد و روزی نبود که دفاتر و مراکز حزبی از سوی چاقو‌کشان، چه وابستگان به دربار، چه حزب زحمتکشان بقایی و چه کسانی که اجیر شده مزدوران انگلیس در ایران بودند، مورد یورش قرار نگیرد. الان دیگر کمتر کسی را می‌توان یافت که اعتراف نکند که یکی از مهمترین اهداف ارتجاع و امپریالیسم در ایران همواره حزب توده ایران بوده و هست. انتشار انبوه اسناد در سال‌های اخیر همگی بر این حقیقت گواهی می‌دهند. شما اگر به اسناد رسمی دولت‌های انگلیس و آمریکا که اکنون در اختیار عموم قرار گرفته است رجوع کنید، خواهید دید که کودتای ۲۸ مرداد به خاطر نگرانی امپریالیسم از قدرت گرفتن توده‌ای‌ها در ایران سازماندهی شد. ارزیابی آن‌ها چنین بود که مصدق توانایی سد کردن نفوذ حزب در ایران و در پی آن، بر باد رفتن منافع استعماری آنان در میهن ما را ندارد و برای اینکار یک حکومت نظامی خشن و سرکوبگر لازم است. بازم اتفاقاً نیست که نخستین هدف کودتای گران دستگیری، و شکار توده‌ای‌ها بود. توده‌ای‌ها در این دوران یکی از درخشان‌ترین صفحات تاریخ مبارزه حزبشان را در زندان‌ها، شکنجه‌گاه‌ها و میادین اعدام حکومت‌ننگین کودتا رقم زدند. نام رفقای مبارزی چون روزبه، سیامک، افراخته، مبشری، مدنی، وزیریان، کیوان، وکیلی، کلانی، جمشیدی، بهزاد، محقق زاده و ده‌ها مبارز دیگر که به خاطر آرمان‌های والای انسانی، آزادی و استقلال میهن ما به شهادت رسیدند، زینت بخش بخش جداناپذیری از مبارزات رهاییبخش میهن ماست و تلاش‌های مزدوران قلم‌زن ارتجاع برای بدنام کردن برخی از این چهره‌های درخشان مانند رفیق روزبه تنها به سند رسوایی برای خود آنان بدل خواهد شد. حزب ما مجموعاً در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد دوران دشواری را پشت سر گذاشت. من قبلاً گفته‌ام که از مشخصات ناخوشایند این دوران مشکلات در درون رهبری حزب بود. کمتر نشست رهبری حزب در این دوران را می‌توان پیدا کرد که عاری از برخورد‌های گروه‌گرایانه نباشد. افزون بر این ما در این دوران با پیدایش و رشد مائوئیسم در جنبش جهانی روبرو شدیم. من اتفاقاً در بحبویه و اوج این اختلافات به اتفاق تعداد دیگری از رفقا در پکن بودم و به خاطر اختلافاتی که با رفقای چینی پیدا کردیم و حاضر به قبول نظرات آنان نبودیم چین را ترک کردیم. مشکلات در سازمان‌های حزبی در این دوران تا حدی پیش رفت که عباس شهریاری جاسوس ساواک توانست در سازمان‌های حزبی نفوذ کند و بسیاری از رفقای ما را، از جمله رفیق شهید حکمت جو و مرا که برای بازسازی سازمان‌های حزبی به ایران رفته بودیم به دست ساواک بسپارد.

س- اجازه بدهید تا در اینجا قبل از اینکه به توضیحات خودتان ادامه بدهید، یک سؤال جنبی از شما بکنم. رفسنجانی طی سخنانی مدعی شده بود که در دوران رژیم شاه تنها زندانیان سیاسی مذهبی بودند که مبارزه می‌کردند و مارکسیست‌ها همه از خودشان ضعف نشان می‌دادند. نظر شما به عنوان کسی که پانزده سال در زندان‌های رژیم شاه گذرانده‌اید، چیست؟

ج- صحبت‌های رفسنجانی در این زمینه مانند بسیاری از ادعاهای دیگر او خلاف واقعیت است. از زندانیان سرشناس و مبارز مسلمان که در زندان شناخته شده بودند و مورد احترام هم بودند، می‌توان از آیت الله طالقانی، آیت الله منتظری، آیت الله سعیدی و آیت الله مطهری نام برد، که اتفاقاً این افراد بیشترین احترام را برای زندانیان کمونیست از جمله رفقای ما داشتند، و همواره نگران سلامت و خطراتی بودند که زندانیان توده‌ای را تهدید می‌کرد. از زندانیان سیاسی دوران شاه، استوارترین آنان را در مجموع زندانیان چپ تشکیل می‌دادند، حماسه مقاومت همین‌ها بود که بخشی از فولکلور مبارزه سیاسی در ایران را تشکیل می‌دهد. چهره‌های درخشانی مانند روزبه، سیامک، مبشری، حکمت جو، تیزابی، گلسترخی، دانشیان، کتیرایی و رفقای سازمان نظامی حزب که ۲۵ سال در زندان‌های شاه بودند، انسان‌های والایی مثل، کی‌منش، حجری، باقرزاده، ذوالقدر، شلتوکی، و صدها زندانی کمونیست دیگر از نظر شهامت، مقاومت و پایداری زبانزد همگان حتی شکنجه‌گران ساواک بودند. بیان این واقعیت برای ما کمونیست‌ها هیچگاه به معنای کم بها دادن به مقاومت و مبارزه دیگر زندانیان سیاسی آن رژیم نبوده و نیست. فداکاری در راه آرمان‌های مردمی در انحصار سازمان معینی نبوده است. این که چرا کسانی برجشم حقیقت خاک می‌پاشند، سؤالی است که پاسخش چیزی به اعتبار

رفسنجانی‌ها نمی‌افزاید.

برگردیم به بقیه سوال قبلی شما. در این دوران، منظوم دهه چهل و پنجاه از دستاوردهایی که می‌توان به آن اشاره کرد، پیدایش سازمان نوید و پیوستن بخشی از سازمان چریک‌های فدایی به صفوف حزب و آغاز فعالیت منظم حزب در ایران در دهه پنجاه بود. با آغاز رشد جنبش مردمی و سرانجام فروپاشی نظام پوسیده شاهنشاهی، زندانیان سیاسی آزاد شدند و حزب توده ایران فعالیت علنی خود را در ایران دوباره آغاز کرد. ادامه کاری حزب در طول بیش از ۲۵ سال اختناق سیاه ساواک نشانگر این واقعیت بود که ریشه‌های حزب توده ایران را نه با اعدام و نه با شکنجه، زندان و تبعید نمی‌توان از میهن ما کند. بسیاری از نیروهای سیاسی، حزب ما در آستانه انقلاب را یک حزب پایان یافته و "فروتوت" که به "مرگ طبیعی" خواهد "مرد" معرفی می‌کردند. ولی واقعیت زندگی خیلی زود پاسخ این مدعیان عجول و بی‌حوصله را داد. حزب با امکانات بسیار محدودی در ایران کار خود را آغاز کرد. اولین شماره "مردم" در قطع بزرگ آغاز دوران جدید فعالیت علنی حزب توده‌های محروم را در جامعه ما اعلام کرد و دیری نپایید که انبوه کارگران، زحمتکشان و روشنفکران مترقی حزب خود را باز یافتند و حزب توده ایران به یکی از بزرگترین نیروهای سیاسی کشور بدل شد. اعترافات سید علی خامنه‌ای در این رابطه که تاثیر معنوی حزب ما در جامعه و در روند رشد و تعمیق انقلاب در سال‌های اول آن برای نیروهای ارتجاعی بسیار نگران‌کننده بود، گوشه‌ای از این واقعیت را نشان می‌دهد. بسیاری از اندیشه‌های مترقی که حزب ما در این دوران کوتاه دو سه ساله مطرح کرد، مانند اصلاحات ارضی، قانون کار، ملی کردن بازرگانی خارجی و تامین حقوق و آزادی احزاب، جمعیت‌ها و سازمان‌های صنفی، همچنان خواست وسیع‌ترین توده‌های مردم ماست، بیهوده نیست که هنوز هم در مجلس شورای اسلامی اگر کسی از اصلاحات ارضی و بند "ج" و "د" دفاع کند، به توده‌ای بودن متهم می‌شود. سران رژیم این خطر حزب ما را تشخیص می‌دادند و از این رو بود که آن بورژوازی وحشیانه را سازماندهی و اجرا کردند و ده هزار توده‌ای را به بند کشیدند. پس از یورش اول مسئولان رژیم برای فریب حزب، در تماس با رفقای ما از این ماجرا اظهار تاسف می‌کردند و قول آزاد شدن رفقو امکانات حزب را می‌دادند. رژیم خمینی تجربه رژیم شاه را در برخورد با حزب ما به همراه داشت. سران حکومتی مصمم بودند اعتبار تاریخی مبارزات حزب ما را با این یورش نابود کنند. بر این اساس بود که آن شکنجه‌های وحشیانه و ضد انسانی را علیه رهبری حزب سازماندهی کردند و سپس با به اجرا درآوردن آن شوهای مشتمل کننده تلویزیونی، که نشانگر عقب ماندگی فرهنگی سران حکومت جمهوری اسلامی و بازگشت به دوران قرون وسطی و "اعتراف" گیری‌های عهد تقی‌ش عقاید بود، تلاش کردند در غیاب حتی یک برگ سند معتبر به مردم ایران به قبولاندن که حزب توده ایران، یک حزب "مزدور" ساخته دست "اجنبی" بوده است. چهره‌های درهم شکسته افرادی که همگی از انواع و اقسام بیماری‌های ناشی از شکنجه‌های حیوانی رنج می‌بردند، بر روی صفحه تلویزیون رژیم تنها اثبات‌گر ددمنشی و اعمال ضد انسانی شکنجه‌گران جمهوری اسلامی بود و از همین رو بود که هیچکس این "اعتراف" های ساختگی و اجباری را باور نکرد. اگر بخاطر بیاورید حتی مهندس بازرگان از پشت تریبون مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که تنها حرف‌های امروز من را باور کنید و اگر فردا مرا در حالت دیگری آوردند که حرف‌های دیگری زدم، بدانید که ساختگی است. بهر صورت این توطئه رژیم با موفقیت روبرو نگردید. در آن دوران رژیم همگام با این برنامه‌ها، طرح‌های دیگری نیز مانند ایجاد سازمان و کمیته در ایران تا اعزام ماموران خود به خارج برنامه ریزی کرده بود که به خاطر هوشیاری حزب با شکست روبرو شد. در چارچوب همین برنامه‌ها بود که رژیم میلیون‌ها تومان صرف چاپ انواع و اقسام تراها و دشنام‌ها و علیه حزب ما سیاه کردن خروارها کاغذ کرده است.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد مشکلات عظیمی بود که حزب پس از ضربه با آن روبرو شد. از درهم پاشیدگی سازمان‌های حزبی پس از یورش رژیم تا مهاجرت گروه بزرگی از اعضا و هواداران حزب به خارج از کشور... تا ماجراهایی که در کشورهای سوسیالیستی اتفاق افتاد و به فروپاشی نظام سوسیالیستی در این کشورها منجر شد، همگی ادامه کاری فعالیت حزب را با دشواری‌های زیادی روبرو ساختند. علیرغم همه این

دشواری‌ها که برای نابودی هر سازمانی کافی بود، توده‌ای‌ها به اتکای ایمان استوارشان هسته‌های حزبی در درون کشور را بازسازی کردند و هم توانستند با بازسازی ارگنهای اجرایی و مطبوعاتی حزب، برگزاری نشست‌های وسیع حزبی مانند کنفرانس ملی و سرانجام برگزاری سومین کنگره حزب پرچم مبارزه حزبشان را همچنان در اهتزاز نگاه دارند و آرزوی دشمنان خود را در نابودی خانه امید زحمتکشان میهن مان بخاک بسپارند. نکته دیگری که به نظر من حائز اهمیت است، این موضوع است که علی‌رغم همه این دشواری‌ها و مشکلات و همه این توطئه‌های رنگارنگ حزب از راه درست مبارزه، یعنی راه دفاع از حقوق زحمتکشان و کارگران هیچگاه منحرف نشد. این مسئله به هیچوجه به آن معنا نیست که حزب ما اشتباه نکرده است، اما حزب در تمامی این سال‌ها در مجموع از انحراف به "راست" و "چپ" با موفقیت اجتناب کرده است. در همین سال‌های پس از یورش به حزب، ما از این تلاش‌ها کم ندیده‌ایم، کسانی بودند که می‌خواستند ما را دوباره به طرف دفاع از رژیم خودکامه جمهوری اسلامی و یا بخشی از رهبری رژیم ببرند، کسانی بودند که ما را به مبارزه مسلحانه با رژیم تشویق می‌کردند. و مهمتر از همه کسانی که در شرایط توفان فروپاشی سوسیالیسم و تبلیغات عظیم رسانه‌های گروهی امپریالیسم ما را به "کهنه پرستی" و "استالینسم" متهم کردند و به ترک عقاید و اصول مان و پیوستن به "سوسیال دموکراسی" تشویق می‌کردند. یکی از دستاوردهای حزب در این سال‌ها همین پایداری و پافشاری بر مواضع دفاع از منافع زحمتکشان بمثابه حزب طبقه کارگر بوده است.

س - شما قبلاً نظر حزب را درباره کتاب «خاطرات نورالدین کیانوری»، طی مصاحبه‌ای اعلام کردید. قبل و بعد از آن نیز «خاطراتی» در رابطه با حزب توده ایران، از طرف اشخاصی که در مدارج مختلف مسئولیت‌های حزبی بوده‌اند، از جمله ایرج اسکندری منتشر شده است. این خاطرات را چگونه می‌بینید؟

ج - نوشتن «خاطرات»، در صورتی که ذهنیت، تنگ نظری، خصومت و حساب‌های شخصی، احساس کینه، حسابرگری‌های جاه طلبانه، خودبزرگ بینی و انتقام جویی در بین نباشد، می‌تواند به تدقیق تاریخ کمک کند. ولی، متأسفانه، تقریباً بدون استثنا خاطراتی که طی سالیان اخیر پیرامون باصطلاح تاریخ حزب نوشته شده است از این معایب بری نیست.

آنچه که تحت نظارت وزارت اطلاعات و امنیت رژیم نوشته و یا نویسنده شده است، مطلقاً فاقد سندیت است، زیرا رژیم «ولایت فقیه» در چهره حزب توده ایران و مکتب ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن، از ابتدای کار، مخالفی جدی و سرسخت را دیده و می‌بیند و بنابراین نمی‌توان به این نتیجه رسید که رژیم جمهوری اسلامی و دستگاه‌های امنیتی آن که کمر به نابودی حزب ما بسته‌اند و تاکنون صدها توده‌ای را یا در شکنجه‌گاه‌ها و یا در میادین اعدام از بین برده‌اند، ناگهان نگران کامل نبودن تاریخ حزب ما شده‌اند و حاضرند امکانات خود را برای تدقیق این تاریخ در خدمت حزب به کار گیرند. بر اینگونه تصورات نمی‌توان نامی جز ساده لوحی ابلهانه گذاشت.

س - این نظر را درباره «خاطرات ایرج اسکندری» هم دارید؟

ج - اینکه نهادهای دولتی جمهوری اسلامی در اشاعه این «خاطرات» علاقه نشان می‌دهند، بی تردید علت دلواپسی آن‌ها از کامل نبودن تاریخ حزب توده ایران نیست. خط اصلی گردش سؤال و جواب در این کتاب برای «تدقیق تاریخ حزب» چه از طرف مصاحبه‌شونده و چه مصاحبه‌کنندگان ناظر به «اثبات» نظرات و موضع‌گیری‌های شخصی خود آن‌هاست و برای این کار هر تحریفی را که لازم دیده‌اند انجام داده‌اند. ایرج اسکندری در این «خاطرات»، مانند خاطرات نویس‌های مشابه بی‌قید و شرط، از همه اعمال و اقدامات و روش‌های خود ستایشگرانه دفاع می‌کند. گفته‌های او در تضادهای سنگینی با خود و در بسیاری موارد عاری از حقیقت است.

دو مصاحبه‌کننده و سازمانگر سرهمبندی این «خاطرات» با هر آنچه و هر آنکه مخالفند، طی تنظیم و سمت و سو دادن "بحثها"، تصفیه حساب کرده‌اند.

س - گفته‌های ایرج اسکندری را در مورد پلنوم هیجدهم چگونه می‌بینید؟

ج- مثل بسیاری از گفته های دیگر او غیر مسئولانه و نادرست. در آنجا که ایشان صحبت از ضرورت بررسی سیاست های حزب در انقلاب و نخستین سال های پس از آن را به میان آورد و همزمان پیشنهاد کرد که نورالدین کیانوری به خاطر خیانتش باید از حزب اخراج و اخراج او اعلام شود. من مخالفت کردم. طرح آن را به ویژه از طرف ایشان بعنوان فردی آشنا به امور حقوقی و مسایل قضایی، دور از انصاف دانستم که چگونه بدون حضور متهم و دادن امکان دفاع به او، یا، حداقل، اطلاع دقیق از آنچه که در زندان های رژیم می گذرد، چنین حکم سنگینی که بدتر از حکم اعدام است پیشنهاد می کند. به این ترتیب پیشنهاد در دستور روز پلنوم قرار نگرفت.

و این هم که ایشان گفته است با انتخاب دبیر اول در پلنوم رای مخالفت داده است کاملاً خلاف واقعیتی است که گذشت. همه شرکت کنندگان در پلنوم به کاندید دبیر اول، بلا استثناء رای موافق دادند.

ب- نظر شما درباره مطالبی که «راه توده» مدعی است از شخصی بنام آ.ک. دریافت داشته است چیست؟

ج- این نشریه که نام «راه توده» از نشریات سابق حزب توده ایران را، بدون موافقت و اجازه حزب برخورد گذاشته است، توسط افرادی اداره می شود که از حزب اخراج شده اند و در پی این اخراج ظاهراً تصمیم به «اخراج» حزب گرفته اند!

خواننده پس از خواندن «نامه ارسالی» و طرز طرح و ارائه آن بعنوان دیرکتیو و «دستورالعمل مهمی» به اعضای حزب به ناچار گرفتار این سؤال ها می شود:

۱- این قایم باشک برای گول زدن چه کسانی است و به چه مقصودی؟!

۲- نویسنده «نامه ارسالی» کیست و چرا نشریه از معرفی او «خودداری» می کند؟

۳- اگر نویسنده «نامه» برای نشریه مزبور ناشناخته است، چگونه به درج حملات او علیه حزب و دعوت او به گردآمدن دور «راه توده» و مخالفت با مشی سیاسی حزب بی تردید و ذوق زده اقدام کرده است.

۴- اگر مقصد از این قایم باشک «پنهان کردن» هویت نویسنده «نامه» برای مراجعی است، چرا این «هویت» مصرانه، در شکل ارایه مندرجات «نامه» مزبور، و در صحبت های خصوصی دست اندرکاران این نشری، خود را به رخ می کشد؟

در مجموع ارتباط موضوع مخالفت «نامه» با مشی سیاسی حزب (مخالفت با شعار طرد رژیم «ولایت فقیه» و دعوت به دفاع از جناح «چپ و انقلابی» درون رژیم)، «پنهان کردن» هویت نویسنده نامه ایز به گریه گم کردن توسط «راه توده»، انتخاب راه توده به عنوان مرکز تجمع توده ای ها، اعلام ضمنی مخالفت نویسنده نامه با کنگره سوم حزب برنامه ایست که بی تردید مقصدش حفظ و تقویت حزب توده ایران نیست.

رشد بینش سیاسی توده ای ها، پس از یورش وحشیانه رژیم «ولایت فقیه» به حزبشان متوقف نشده است، اشتباه عمده سازماندهندگان این برنامه در همین جاست. که گردش زمان، با یورش به حزب، برایشان متوقف شده است.

طراحان «نامه» و نویسندگان آن خواسته اند زهر دعوت سرسپردن به تجربه تلخ مردم میهن ما و حزب ما را نسبت به رژیم «ولایت فقیه» در کپسول تحلیل «علمی» و «طبقاتی» به کام حزب بریزند.

برای افشای این «برنامه» راه دور و بحث انگیزی در پیش نداریم، خواننده، در بالاترین و برجسته ترین جای نشریه این شعار را می بیند: «جبهه واحد ضد ارتجاع» را تشکیل دهیم! در صفحه ۱۴ همین نشریه می خواند: «با وجود همه این ها و با وجود انتقادات و مخالفت های بسیار جدی و اصولی، که نسبت به روش های اقتصادی داخلی و سیاست خارجی (دیگر چه چیز باقی می ماند؟! هاشمی رفسنجانی داریم و بیان می کنیم، وی و همکارانش بطور کلی در «جبهه ارتجاع» مورد نظر ما جای نمی گیرند».

آنچه که در فاصله بین شعار دعوت بعمل و نتیجه گیری پایانی به اصطلاح تحلیل علمی، واقع بینانه طبقاتی... در معرفی «جناح انقلابی» درون حاکمیت آمده است، مقصدی جز خواب کردن و تخدیر اعصاب خواننده و اعزام او در چنین حالتی، به جهنم ندارد.

بعد از ۱۵ سال تجربه و نتایج حاصله از حکومت رژیم «ولایت فقیه» دفاع از جناحی که عملاً مجری سیاست های جناح دیگر است، کمک به حفظ و استمرار کلیت رژیمی است که از طرف مردم میهن ما مردود و شایسته طرد شناخته شده است. بطور کلی قشر روحانیت حاکم بدنبال منافع کوربوراتیک و کاستی خود بوده و عملاً استخوان بندی سرمایه داری بوروکراتیک را تشکیل می دهد، حمایت گر سرمایه انگلی تجاری است و در عین حال حکام رژیم، بعد از ۱۵ سال حکومت، دیگر آخوندهای چشم بدست «تجار محترم» بازار نیستند. از سوی دیگر برای مردم محروم ایران چه فرق می کند که این بازاریان محترم و جناح مدافع آن ها در حکومت است که ثروت هایش را به بیغما می برند و یا جناح «غیر ارتجاعی» مجری سیاست تعدیل اقتصادی و دستورات صندوق بین المللی پول؟. نتیجه آن قسط و عدل و خودکفایی که ۱۵ سال است به مردم میهن ما وعده می دهند تاراج ثروت های طبیعی، فقر و فاقه قریب ۸۰٪ مردم، وام های سنگین خارجی، استبداد قرون وسطایی، بی حقوقی مدعش زنان، ستم ملی و استثمار وحشیانه زحمتکشانش... است.

ب- آیا حزب در دفاع از زندانیان سیاسی توده ای کوتاهی کرده است؟ چیزی که «نامه ارسالی» مدعی آن است.

ج- این هم ادعایی است پوچ به خاطر تحریک اعصاب رفقای توده ای. توده ای ها نه تنها شاهد تلاش پیگیر حزبشان در این رابطه بوده اند بلکه خود، هریک، سهم شایسته ای در کارزار دفاع از توده ای های دربند و دیگر زندانیان سیاسی ایران بعهدده داشته اند. مطبوعات حزب، تبلیغات رادیویی آن در سرتاسر دوران دستگیری ها، جریان «دادرسی» های مسخره و پس از آن هیچگاه از این امر مهم و وظیفه انسانی و حزبی غافل نبوده اند. رفقای مسئول حزب در تمامی این سال ها در تمامی نشست های بین المللی همواره مسئله زندانیان سیاسی و رفقای توده ای در بند را در صدر مسایل طرح شده قرار داده اند و اگر شما به همین صفحات روزنامه «نامه مردم» در عرض ده سال گذشته رجوع کنید، خواهید دید که از نظر همبستگی بین المللی از صدها حزب کارگری و کمونیستی، تا صدها اتحادیه و سندیکای کارگری، تا سازمان های جوانان ده ها کشور جهان و سازمان های زنان در این کشورها، چه طیف گسترده ای از همبستگی با زندانیان سازماندهی شده است. ما در تمامی این سال ها همواره بر سازمان های بین المللی از جمله و خصوصاً سازمان ملل متحد فشار آورده ایم که مسئله دفاع از حقوق بشر در ایران و زندانیان سیاسی موضوعی است که نباید به هیچوجه به خاطر ملاحظات سیاسی و اقتصادی به بوته فراموشی سپرده شود. اینکه امروز چهره ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی به عنوان رژیمی سرکوبگر آزادیها و حقوق دموکراتیک شناخته و معرفی شده است. مدیون چنین فعالیت هایی است که ما و سایر نیروهای مترقی در ابعاد گوناگونی سازماندهی کردیم.

ب- وضع کنونی و آینده تحولات میهن ما را چگونه می بینید؟

ج- در چند جمله: بحران اقتصادی و اجتماعی: اختلافات شدید درون حاکمیت برسر قبضه کردن قدرت مسلط، استبداد و خودسری شدید سیاسی، خفقان و مداخلات روزمره مزاحم زندگی خصوصی مردم؛ تضییقات مضاعف علیه نیمی از جامعه ما- زنان و بی حقوقی آنان؛ وجود ستم ملی، بی اعتنائی و سرکوب خواست های ملی ملیت های کشور ما، تنش های مذهبی در زمینه احساس نابرابری و عدم امنیت دارندگان مذاهب مختلف؛ سوء استفاده از این زمینه بسیار خطرناک برای وحدت و تمامیت ارضی کشور توسط عناصر و نیروهای غیر مسئول؛ بنیان های غیر علمی و غیر مسئولانه برای تعیین کننده سیاست های مهم داخلی و خارجی بدون توجه به منافع ملی کشور، این ها همه در شرایطی در جهت تحلیل و تخریب نیروی جامعه و کشور ما عمل می کنند که دریای خزرمان با ورود انحصارات گوناگون نفتی به خلیج فارس تبدیل شده است و سرحدات آبی و فلات تازه خلیج فارسش به سرحدات آبی و فلات قاره کشورهای متحد نظامی ایالات متحده آمریکا در تیررس حتی کشتی های توپدار عهد ملکه ویکتوریا قرار دارد. ادعاهای ارضی استعماری کشورهای ساحل جنوبی خلیج فارس نسبت به جزایر ایرانی تب و ابوموسی بعنوان قبیله احتراق بشکه عظیم باروت مرتباً و هر از چندگاهی به رخ میهن ما کشیده می شود.

این تصویر کلی، که به هیچوجه مدعی تبیین جامع وضع میهن ما نیست، با توجه به تجربه و شناختی که از تفکر و شیوه عمل و انگیزه های

همبستگی میلیون ها کارگر انگلیسی با مبارزات کارگران ایرانی

صدوبیست و ششمین کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا با شرکت ۸۷۸ نماینده ۷/۲۹۸/۲۶۲ میلیون کارگر از ۶۸ اتحادیه ملی این کشور در شهر ساحلی برایتون برگزار گردید. در این کنگره صدها میهمان، خبرنگار رسانه های گروهی و رهبران جنبش های کارگری از کشورهای مختلف حضور داشتند. کنگره ضمن چهار روز کار خود به مهمترین مسایل جنبش کارگری بریتانیا، خصوصاً اعتصاب سوزن بانان خطوط راه آهن که وارد ۱۵-مین هفته خود شده بود و چگونگی گسترش همبستگی با این اعتصاب بحث و تبادل نظر کردند. صدها قطعنامه مختلف، از جمله تعداد زیادی قطعنامه پیرامون مسایل بین المللی به کنگره ارائه گردیده بود.

در قطعنامه های این کنگره، در بخش منطقه خاورمیانه قطعنامه هایی مربوط به سرکوب حقوق بشر و همبستگی با اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز طرح گردیده بود.

قطعنامه اصلی کنگره از سوی یکی از اتحادیه های کوچک در اسکاتلند و در دفاع از "شورای ملی مقاومت" و ریاست جمهوری "مریم رجوی" به کنفرانس ارائه گردید. این قطعنامه با مخالفت نیروهای مترقی در جنبش کارگری و کارزار همبستگی با مردم ایران (کودیر) روبرو شد. این نیروها اصلاحیه ای را به کنگره ارائه دادند. تمامی اتحادیه های بزرگ و شورای مرکزی کنگره نیز از اصلاحیه کمیته دفاع، حمایت کردند و این اصلاحیه با اکثریت آرا به تصویب رسید. نماینده کمیته دفاع در دفاع از اصلاحیه ضمن توضیح وضع کارگران ایران و مبارزه دشوارشان خواهان حمایت اتحادیه های کارگری از مبارزه تمامی نیروهای مترقی، از جمله حزب توده ایران، مجاهدین خلق ایران، سازمان فدائیان خلق و ... گردید. نمایندگان "شورای ملی مقاومت" به عادت هر ساله خود با فحاشی های زشت و زننده نمایندگان کمیته دفاع را مورد حمله قرار دادند. اعمال غیر دموکراتیک و زننده نمایندگان "شورای ملی مقاومت" با عکس العمل بسیار تند و منفی بسیاری از رهبران اتحادیه های کارگری روبرو گردید و بار دیگر این موضوع را اثبات کرد که برای طرفداران این سازمان هدف از فعالیت همبستگی، در واقع، همبستگی برای سران این گروه است نه برای مردم ستمدیده ایران.

متن اصلاحیه تصویب شده در کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا به شرح زیر است:

متن قطعنامه

کنگره با توجه به فاکت های مطرح شده:

الف: به شدت سرکوب سیستماتیک و وسیع حقوق بشر، توسط رژیم مذهبی ایران را که شامل دستگیری بدون مجوز، شکنجه و اعدام کارگران و زنان می شود، شدیداً محکوم می کند و از رژیم ایران می خواهد که فوراً به این اقدامات خاتمه داده و حقوق کارگران ایرانی را افزایش دهد.

ب: همبستگی خود را با مبارزه مردم ایران اعلام می دارد و از شورای مرکزی می خواهد که از سازمان بین المللی کار بخواهد که هیئتی را برای بازرسی و تهیه یک گزارش همه جانبه پیرامون وضع کارگران ایرانی به این کشور اعزام دارد.

حکومت داران رژیم «ولایت فقیه» بدست آمده است، نمی تواند هر میهن دوستی را عمیقاً نگران نکند. فراموشی نکرده ایم که ۸ سال در بوق و کرنا دمیدند «جنگ، جنگ تا پیروزی» و آن گاه که مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شدند گفتند: «امروز خدا اینگونه خواسته است و دیروز آنگونه خواسته بود. پیروزی و شکست برای ما فرق نمی کند». وضع موجود، نه برای مردم استبداد زده و فقر زده میهن ما، نه برای مصالح ملی و میهنی ما - تأمین ثبات و امنیت و تمامیت ارضی کشور - قابل تحمل نیست. نفی و طرد رژیم «ولایت فقیه» در دستور روز مردم قرار گرفته است. اختلافات درون نیروهای اپوزیسیون بیرون از کشور، جان سخت تر از آن بوده اند که جای خود را به تقاض و اعتماد در راه همگرایی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بدهد. مردم ایران، از جمله نیروهای آزادیخواه در نهادهای پیرامونی حکومت ارتش و سایر نیروهای مسلح، شخصیت های سیاسی معتقد به آزادی و دموکراسی، سازمان های چپ، دموکراتیک و ملی امید واقعی برای پر کردن خلاء قدرت سیاسی هستند که میهن ما لحظه به لحظه به آن نزدیک می شود. حرکات ماه های اخیر و جنبش های مردمی در شهرهای مختلف کشور نشان دهنده لبریز شدن کاسه صبر و تحمل توده های عظیم مردم میهن ما و اعتراض و مخالفت آشکار آنان با سیاست های گردانندگان رژیم «ولایت فقیه» است. جامعه ما آستان حوادث مهم و خطیری است که در غیاب آلترناتیو دموکراتیک نیرومندی در درون کشور، برای جانشینی رژیم موجود، خطرات عظیمی مانند جنگ داخلی، بالا گرفتن تمایلات تجزیه طلبانه، منازعات قومی و مذهبی... آن را تهدید می کند. ما، یارها این حساسیت وضع و در عین حال نگرانی عمیق خود را از فقدان آلترناتیو دموکراتیک و متکی بر اراده و خواست مردم میهن اعلام داشته ایم؛ زیرا به نظر ما در غیاب چنین آلترناتیوی سررشته کار از دست مردم خارج خواهد بود و می تواند اوضاع ناگوارتری بر میهن ما تحمیل شود. ما، وظیفه مردمی و میهنی خود می دانیم که آنچه در توان داریم برای برجسته نشان دادن این خطر مهیب و سازمان یابی چنین آلترناتیوی بکوشیم.

بی - با تشکر در پنجاه و سومین سالروز حزب چه پیامی برای رفقای توده ای دارید؟

ج - سنت خوبی است که به ویژه در چنین روزهایی از یاران وفادار خلق، از خدمات برجسته حزب توده های محروم یادی بشود. بی تردید این مبارزه که توده ای ها بیش از پنج دهه پیش علی رغم همه دشواری ها در میهن شان آغاز کردند، رزم مقدسی است که تحولات شگرف و غیر قابل بازگشتی را در کشور ما آفریده است. ما این مکان تاریخی را مدیون قهرمانی های شگرف، هزاران توده ای هستیم که جان بر کف گام در میدان مبارزه گذاشتند و بدون کوچکترین چشمداشتی فداکارهای کم نظیری کردند. مشعل این رزم، همچون آتش پرومته، که مارکس او را نخستین شهید تاریخ لقب داد، در قلب مبارزات و قلب میلیون ها هم میهن ما همیشه زنده خواهد ماند. یاد از این شهدا، از این قهرمانان که هنوز تاریخ و رزم بسیاری از آنان آنطور که شایسته است، به رشته تحریر در نیامده است، و ادامه رزم انسانی و میهنی آنها برای همه توده ایها وظیفه مقدسی است که در هیچ نوع شرایطی تعطیل بردار نیست، همچنانکه در همین سال های سیاه حکومت رژیم جمهوری اسلامی توده ای ها در زندان حماسه های جاویدانی از مبارزه را آفریدند. قهرمانانی مانند حیدر مهرگان (رحمان هانفی)، کی منش، سیمین مدرس، و امیر هوشنگ ناظمی (نیک آئین) که سازمانده اعتصاب غذا در زندان های رژیم بودند، در کنار صدها کادر مبارز و رزمنده شکنجه گران جمهوری اسلامی را به زانو در آوردند و پوزه یابوه گویانی که حزب توده ایران را نابوده شده اعلام می کردند به خاک مالیدند. توده ای ها در خارج از زندان و اسارت با الهام از این مبارزات قهرمانانه به نبرد خود علیه استبداد قرون وسطایی حاکم، کج اندیشی و واپسگرایی ادامه می دهند و نشان داده اند که حزب توده ایران، حزب کارگران و زحمتکشان ایران نابود نشدنی است. مبارزه رفقای ما در درون کشور، علی رغم سرکوب وحشیانه، بازسازی سازمان های حزبی در خارج، برگزاری سومین کنگره حزب و افراشته نگاشتن پرچم رزم ارانی و روزبه و هاتفی، پاسخ شایسته توده ای ها به توطئه های رذیلانه ارتجاع و امپریالیسم برای نابودی حزب توده ایران بوده است.

جشن اومانیته، صحنه پرشور همبستگی با مبارزات مردم ایران

جشن سالیانه روزنامه "اومانیته" ارگان حزب کمونیست فرانسه، در تاریخ ۹، ۱۰ و ۱۱ سپتامبر سال جاری در پاریس برگزار گردید. به همت رفقای توده ای مقیم فرانسه، و رفقای توده ای از کشورهای دیگر غرفه "نامه مردم" با شعار همبستگی با زندانیان سیاسی ایران برپا گردیده بود که مورد استقبال شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت. نمایندگان هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران از جمله مهمانان جشن بودند که به دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست

فرانسه در جشن شرکت می کردند. در جریان این فستیوال بزرگ خلقی که صدها هزار تن در آن شرکت داشتند، هیئت نمایندگی حزب توده ایران دیدار های گوناگونی را با نمایندگان رهبری احزاب برادر، از کشورهای فرانسه، روسیه، الجزایر، و عراق و سایر کشورهای جهان برگزار کرد. در این فستیوال پرشکوه اطلاعیه ای از سوی احزاب برادر شرکت کننده در همبستگی با مبارزات اوج یابنده مردم ایران انتشار یافت که متن آن به شرح زیر است:

سیاست ضد کارگری رژیم در منطقه

بر اساس اطلاعات موثق در اردیبهشت ماه سال جاری، به دعوت وزارت کار و امور اجتماعی و خانه کارگر یک هیئت بلند پایه از رهبران فدراسیون کارگری پاکستان به مسؤلیت دبیر کل این سازمان بنام حاجی محمد سعید از ایران بازدید کرده اند. این هیئت در تهران با مسئولان امور کارگری رژیم منجمله علیرضا محبوب، رئیس خانه کارگر و سردبیر نشریه «کار و کارگر» و دیگر دست اندرکاران امور کارگری رژیم ملاقات کرده اند و از برخی موسسات در تهران و زاهدان بازدید رسمی بعمل آورده اند.

در طی این سفر رهبران کارگر ستیز جمهوری اسلامی به هیئت پاکستانی پیشنهاد می کنند که آن ها مسؤلیت سازماندهی و تشکیل یک مرکز «اتحادیه ای کارگری اسلامی» را بپذیرند. این مرکز اتحادیه ای اسلامی، گویا قرار است که در کشورهای ایران، پاکستان، ترکیه و تمامی جمهوری های مسلمان نشین اتحاد شوروی سابق و افغانستان فعالیت داشته باشد. رهبران رژیم مصرند که مرکز این اتحادیه اسلامی در تهران باشد. رهبران رژیمی که هرگونه تشکل کارگری مستقلی را در کشور سرکوب نموده اند، اکنون سعی دارند نقش خرابکارانه و ضد کارگری خود را به سطح منطقه ای گسترش داده و علیه منافع طبقه کارگر کشورهای همجوار ایران اقدام کنند.

متن اعلامیه همبستگی ده ها حزب کارگری و کمونیستی جهان با مبارزات اوج گیرنده مردم ایران

ما احزاب و سازمان های امضاء کننده زیر، همبستگی رزمجویانه خود را با مبارزات قهرمانانه مردم ایران، علیه استبداد، و ارتجاع و در راه دموکراسی و آزادی اعلام می کنیم. ما سرکوب خونین خیزش های اخیر مردمی در شهرهای قزوین، نجف آباد، تبریز، اصفهان، قایم شهر، زنجان و شهرهای دیگر را توسط حکومت اسلامی ایران به شدت محکوم می کنیم. ما با نگرانی زیاد اخبار مربوط به ادامه سرکوب حقوق بشر در ایران که به خارج از مرزهای ایران نیز سرایت کرده است دنبال می کنیم. ما کارزار نیروهای امنیتی رژیم در ترور مخالفان در خارج از کشور را به شدت محکوم می کنیم و از سازمان های بین المللی می خواهیم تا با تشدید فشار علیه جمهوری اسلامی خواهان قطع این اعمال سرکوبگرانه و آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی ایران گردند. ما همبستگی خود را با نیروهای مترقی ایران و مردم ایران که در شرایط بسیار دشوار پیکار می کنند، اعلام می کنیم.

- | | |
|---|---------------------------------|
| حزب مردم تونس | حزب کمونیست پرتغال |
| حزب سوسیالیست کارگران - مجارستان | حزب کمونیست یونان |
| حزب کمونیست پرو | حزب کمونیست آلمان |
| حزب دموکراتیک انقلابی مالی | حزب سوسیالیسم دموکراتیک - آلمان |
| حزب کار و پیشرفت سوئیس | حزب کمونیست شیلی |
| حزب کمونیست لبنان | حزب کمونیست آرژانتین |
| حزب سوسیالیسم دموکراتیک - الجزایر | حزب کمونیست فرانسه |
| حزب کمونیست لوکزامبورگ | حزب کمونیست هند |
| حزب کمونیست کلمبیا | حزب سوسیالیست استرالیا |
| حزب کمونیست بلژیک | حزب کمونیست کارگری اسپانیا |
| حزب پیشرفت و سوسیالیسم - مراکش | حزب کمونیست اسپانیا |
| جبهه رهایی بخش فارابوندو مارتی - السالوادور | حزب بازسازی کمونیستی - ایتالیا |
| حزب توده ایران | حزب کمونیست عراق |
| | حزب کمونیست سودان |

کمک مالی

به حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است!

NAMEH MARDOM

NO ; 437

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

September 27, 1994

Address : Postfach 100644 ,
10566 Berlin , Germany

شماره فاکس ما: ۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

نامهء

مردم